

متن پرسش

سلام علیکم جناب استاد، این قسمتی از کلام رهبری (حفظه الله) در مورد شخصیت شهید چمران است: « در وجود یک چنین آدمی، دیگر تضاد بین سنت و مدرنیته حرف مفت است؛ تضاد بین ایمان و علم خنده‌آور است. این تضادهای قلبی و تضادهای دروغین - که به عنوان نظریه مطرح میشود و عده‌ای برای اینکه امتداد عملی آن برایشان مهم است دنبال میکنند - اینها دیگر در وجود یک همچین آدمی بی‌معنا است. هم علم هست، هم ایمان؛ هم سنت هست، هم تجدد؛ هم نظر هست، هم عمل؛ هم عشق هست، هم عقل. اینکه گفتند: "با عقل آب عشق به یک جو نمی‌رود بیچاره من که ساخته از آب و آتشم" ؛ نه، او آب و آتش را با هم داشت. آن عقل معنوی ایمانی، با عشق هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه خود پشتیبان آن عشق مقدس و پاکیزه است ...» ؛ استاد خواهش می‌کنم به امثال بنده بگویید که تکلیف ما با این سخنان و دیدگاه‌های شما چیست. راستش من خودم بعد از آشنایی با مباحث غربشناسی با تفکرات بزرگوارانی همچون شما موافق شدم اما برخی اوقات موضعی که حضرت آقا در این مسائل می‌گیرند، بنده ضعیف رو گیج میکند. به هر حال تمام امید ما اینست که در خط ترسیم شده امامان حرکت کنیم و برخی اوقات احساس می‌کنم که حضرت آقا شاید رویکرد ما رو نپسندند با تشکر از زحمات شما

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: اگر نتوانیم محکمت و متشابهات قرآن را از هم جدا کنیم و متشابهات را بر اساس محکمت تبیین کنیم، حیران و سرگردان می‌شویم و مثلاً نمی‌دانیم آیهی «یدالله فوق ایدیهم» که اشاره به دست‌داشتن برای خدا دارد را چگونه با آیهی «لیس کمثله شیئ» که می‌فرماید خداوند شبیه هیچ چیز نیست، جمع کنیم. در حالی که باید با تفکر در امر خالق هستی ابتدا متوجه شویم حضرت حق به عنوان حقیقتی بی‌نهایت حتماً شبیه هیچ چیز از اشیاء نیست، پس آیهی «لیس کمثله شیئ» برای شما اصل می‌شود تا آیهی «یدالله فوق ایدیهم» را معنی کنید و متوجه باشید دست خدا در آیه به معنی قدرت الهی است. در مورد سخن حکیمان نیز باید محکمت آن‌ها را شناخت و متشابهات آن‌ها را با محکمت آن‌ها معنی کرد. محکمت آن است که غرب نظام اجتماعی، سیاسی، تربیتی جامعه‌ی خود را از عالم قدس و وحی الهی قطع کرده و معتقد نیست نظام عالم نظام حکیمانه است و باید با طبیعت هماهنگ شد و لذا به خود حق می‌دهد هرگونه تصرفی در طبیعت بکند همچنان که هرگونه عملی را در موضوعات اخلاقی برای خود مجاز می‌داند و مباحث نقد غرب بر این

مبنا است و مسلم مقام معظم رهبری بنا ندارند از این مبانی عدول کنند و بر آن نگاهی که تحت عنوان «سنت» به حاکمیت سنت‌های الهی بر عالم و آدم تأکید دارد خط بطلان بکشند. اری اگر کسانی معتقد باشند در حال حاضر به بهانه‌ی تضاد بین سنت و مدرنیسم باید از تکنولوژی استفاده نکنیم و خود را منزوی نماییم می‌گوییم به مرحوم شهید چمران بنگرید که چگونه عمل کرد و در متن همین دنیا مواظب بود رابطه‌ی خود را با خدا به زیباترین شکل حفظ کند، ولی آیا مرحوم شهید چمران به سنت به همان معنایی که عرض کردم تأکید نداشت؟ آیا او نمی‌دانست پذیرفتن تکنولوژی به این شکلی که امروز مورد استفاده است موجب چه بحران‌هایی می‌شود؟ بنده سعی کرده‌ام در مقاله‌ی «نسبت ما با تکنولوژی» که در صفحه‌ی اول سایت هست این موضوع را روشن کنم که پذیرش تکنولوژی موجود چه تبعاتی را به همراه دارد تا إن شاء الله نظام اسلامی در ادامه‌ی راه خود به نوعی از برخورد با طبیعت بیندیشد که گرفتار این تبعات نشود. موفق باشید